

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال دهم، شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۷
صفحات: ۱۵۸-۱۳۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷

پیمان آب و هوایی پاریس و کشورهای جنوب

دکتر احمد ساعی* / دکتر عبدالمجید سیفی** / مریم خالقی نژاد***

چکیده

در حال حاضر بیش از ۵۰۰ توافقنامه‌های بین‌المللی، منطقه‌ای، دوجانبه و چند جانبه محیط زیستی وجود دارد که به طور دائمی در حال تکامل بوده و بر شمار آن‌ها افزوده می‌شود. در حوزه امنیتی مسأله محیط زیست به طور قابل اجتنابی تحت تاثیر جهانی شدن و خطرات ناشی از این پیشرفت‌ها است که کشورهای شمال و جنوب را در قالب عقد توافق‌نامه‌ها و عهدنامه‌های مختلف به مقابله با این تهدیدات برانگیخته است. اگر چه آغاز این توافقنامه‌های زیست محیطی به اواخر قرن ۱۹ مربوط است اما اکنون جامع‌ترین آن‌ها توافقنامه آب و هوایی پاریس است. پیمان پاریس با دارا بودن مفاد چندگانه خود باعث محدود و متعهد نمودن کشورها در افزایش تکنولوژی و یا استفاده از منابع می‌شود. این درحالیست که کشورهای جنوب که عضو این توافقنامه هستند لزوم اقدامی همگانی را برای مقابله با مخاطرات زیست محیطی درک کرده‌اند. سوالی که باقی می‌ماند آن است که اجرایی شدن پیمان آب و هوایی پاریس چه تاثیری را بر کشورهای جنوب دارد؟ به نظر می‌رسد عملی شدن این پیمان به طور بارزی تاثیراتی عمیق را در روند رشد و توسعه پایدار آن‌ها برجای می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها

پیمان پاریس، آب و هوا، کشورهای جنوب.

* دانشیار علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

khaleghinezhad.m@gmail.com

(نویسنده مسؤل)

۱. بیان مسأله

منظور از «شمال» در این نوشتار کشورهای توسعه یافته یا کشورهای صنعتی یا کشورهای اروپایی ثروتمند است و «جنوب» سایر کشورهای دیگر را تشکیل می‌دهد (بروجردی، ۱۳۸۲: ۵). امروزه باید روابط شمال و جنوب را در چارچوب جهانی شدن و ابعاد و اثرات آن مورد بررسی قرار داد. برای مثال در عرصه اقتصادی شاهد شکل‌گیری یک بازار جهانی هستیم که باعث گره خوردن سرنوشت‌های کشورهای شمال و جنوب شده است. در این عصر کشورهای شمال تحت تاثیر پیشرفت‌های خیره‌کننده در تکنولوژی و تولید به شدت نیازمند آن هستند که تکنولوژی قدیمی و صنایع تولید درجه دوم خود را به کشورهای دیگر واگذار کنند و علت این امر هم آن است که با توجه به افزایش نرخ دستمزد و آلاینده بودن این صنایع سبب آسیب به غرب می‌شود (ساعی و ترابی، ۱۳۹۴: ۲۲). در مقابل کشورهای جنوب به دنبال توسعه بیشتر بخش‌های صنعتی خود هستند چرا که در وادی فرایند جهانی شدن و آثار آن، پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیکی و صنعتی کشورهای جنوب را برای جبران عقب‌ماندگی خود به اقداماتی از جمله اصلاحات لازم در ساختارهای مختلف اقتصادی و سیاسی وا می‌دارد تا تهدیدات جهانی شدن را به فرصت تبدیل کنند زیرا گریز از آن باعث مشکلاتی برای اکنون و نسل آینده در خصوص توسعه پایدار^۱ خواهد شد (کلانتری و خلیلی، ۱۳۸۹: ۲۱).

توسعه پایدار توسعه‌ای است کیفی و متوجه کیفیات زندگی که هدف از آن بالابردن سطح کیفیت زندگی برای آیندگان می‌باشد. توسعه پایدار در سه حیطة دارای مضامین عمیقی است: پایداری محیط، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی. توسعه پایدار مفهوم یا اصلی ترکیبی از اهداف اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی می‌باشد و بیانگر آن است که در انجام هر یک از فعالیت‌های انسانی باید توجه به هر یک از سه مولفه اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی را مورد توجه قرار داد. این درحالی است که غالباً در عمل پیشرفت یک حوزه به قیمت کم و اقماض و گاه ایجاد صدمه به دو حوزه دیگر می‌باشد. بنابراین در صورت امکان باید در زمان اتخاذ تصمیم هر سه هدف توسعه پایدار را مورد توجه قرار داد و در زمان تمرکز بر روی سیاست و برنامه‌ها باید تعادل و توازن میان سه حوزه برقرار شود تا از تخریب و صدمه به مولفه‌های مرتبط زیستی و مولفه‌های تاثیر گذار در نسل آینده خودداری گردد. ضرورت توجه توسعه

پایدار بیانگر حمایت از محیط زیست و نظارت مستمر بر تغییرات آب و هوایی است. بنابراین توجه به مولفه‌های زیست محیطی رهیافت ادغامی توسعه پایدار و ایجاد راهکارها و مدیریت مطلوب پروژه‌ها می‌باشد. لزوم توجه به توسعه پایدار در نشست‌ها و موافقت‌نامه‌های مختلف بین‌المللی و چندجانبه نظیر اهداف توسعه هزار^۱ و نشست جهانی توسعه پایدار^۲ و کنوانسیون چارچوب سازمان ملل در مورد تغییرات آب و هوا^۳ مورد توجه قرار گرفته است (عصاری، ۱۳۹۵: ۸). اما آنچه که امروزه آشکار است ظهور پی در پی ابعاد جدید جهانی شدن و اثرات آن می‌باشد که دیگر جنبه‌های آن به خصوص جنبه‌ی اقتصادی و پیشرفت‌های صنعتی، تکنولوژیکی و فنی را تحت تاثیر قرار داده است که شاید نمود بارز آن ظهور مسأله زیست محیطی باشد. حفظ و نگهداری محیط زیست و منابع طبیعی یکی از مهمترین چالش‌هایی است که بشر در آستانه قرن بیست‌ویکم با آن مواجه است. در طول سال‌های گذشته، صنعت در بهبود و توسعه استانداردهای زندگی و ارتقاء سطح دانش بشری نقشی اساسی را داشته است. تامین مسکن، تغذیه، جابجایی و حمل‌ونقل، آموزش و پرورش، تحقیق و خدمات پزشکی همگی به محصولات صنعتی وابسته‌اند. ولی با این حال اکنون ثابت شده است که الگوهای توسعه صنعتی که در آن‌ها ملاحظات زیست محیطی در نظر گرفته نشده است الگوهای ناپایدارند.

مسائل زیست محیطی به طور معمول تهدیدی برای توسعه اقتصادی و چشم‌اندازهای رشد پنداشته شده‌اند، اما امروزه این مسائل به بخشی از سیاست‌گذاری‌های توسعه در جهان در حال توسعه تبدیل شده است. در شرایط امروز مسائل زیست محیطی به واسطه توجه کمک‌دهندگان بین‌المللی، نگرانی‌های عمومی و آشکار شدن پیامدهای مربوط، توجهات بیشتری را به خود جلب کرده است. امروزه مسائل زیست محیطی در کنار دیگر مسائل مرتبط با توسعه، در حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری وارد شده‌اند (ساعی و میرترابی، ۱۳۸۷: ۲۶۱). بنابراین در برنامه‌ریزی توسعه، دو عنصر توسعه صنعتی و پایداری زیست محیطی از عناصر اساسی بوده و به منظور برخورداری از توسعه‌ای بادوام، باید توسعه صنعتی بر مفهوم پایداری زیست محیطی استوار گردد. بی‌توجهی به مسائل زیست محیطی در فرایند توسعه علاوه بر مسائلی نظیر نابودی ثروت‌های طبیعی، مشکلات تجاری و انتقال تکنولوژی نامناسب، از بُعد سیاسی نیز می

1. MDGS
2. WSSD
3. UNFCC

تواند مشکلاتی را به همراه داشته باشد. به منظور اعمال سیاست جهانی برای محیط زیست باید ضوابط و مقررات و قواعد اجرایی و حقوقی وجود داشته باشد. همکاری و هماهنگی‌های دوجانبه و چندجانبه بین کشورها مقدمه‌ای است برای برپایی و برقراری ضوابط پایدار جهت حفظ محیط زیست که بر اساس حفظ منافع ملی و منطقه‌ای باشد. از زمان کنفرانس ریو، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست همراه با حقوق داخلی نقش مهمی در تشریح و استحکام ابعاد مختلف توسعه پایدار در خصوص محیط زیست داشته است (برمکی، ۱۳۸۸: ۲۹).

به دلایل فوق، بشریت امروز نیازمند گسترش روابط شمال و جنوب است و شرایط حاکم کنونی بین شمال و جنوب باید از پایه و اساس دگرگون شود چنانکه شاهد برخی همکاری‌هایی همچون توافقنامه‌های ریو، کیوتو و کپنهاگ و پاریس هستیم که جامع‌ترین آن‌ها پیمان پاریس است که در آن مفادی مورد تایید کشورهای عضو قرار گرفته است تا مخاطرات زیست محیطی را کاهش دهند. اما این مسأله اساسی باقی می‌ماند که این پیمان در صورت اجرایی شدن آثار سویی در کشورهای جنوب از لحاظ اقتصاد و توسعه صنعتی و فنی باقی می‌گذارد که در این نوشتار به بررسی این مهم پرداخته می‌شود. بدین منظور در ادامه پس از بیان چارچوب نظری نظریه سبز به صورت دقیقی به نکات مهم پیمان‌های قبل از توافقنامه آب و هوایی پاریس پرداخته می‌شود و سپس توافقنامه پاریس و سرانجام اثرات اجرایی شدن آن بر روند توسعه و پیشرفت کشورهای جنوب مورد بررسی قرار می‌گیرد. سوالی اصلی آن است که اجرایی شدن پیمان آب و هوایی پاریس چه تاثیری را بر کشورهای جنوب دارد؟

فرضیه‌ای که به روش تحلیلی توصیفی به بررسی آن پرداخته می‌شود آن است که عملی شدن این پیمان به طور بارزی تاثیراتی عمیق را در روند رشد و توسعه پایدار آن‌ها برجای می‌گذارد. اهمیت پژوهش نیز از این باب است که در حال حاضر در جهان تغییرات متنوع جوی، ژنتیکی، شیمیایی و ... در حال وقوع است که در طول تاریخ هیچگاه به این تنوع و گستردگی نبوده است. با توجه به نگرانی‌های عمیق راجع به امنیت جهانی که امروزه یکی از مهمترین ابعاد آن زیست محیطی می‌باشد پیمان‌های مختلفی مورد تایید کشورهای مختلف قرار گرفته است که یکی از مهمترین آن‌ها پیمان پاریس می‌باشد که علاوه بر مورد تایید بودن این پیمان توسط کشورهای شمال، با استقبال و تایید بسیاری از کشورهای جنوب هم روبه رو شده است. این در حالیست که کشورهای جنوب از یکسو مانند سایر کشورهای شمال با مسأله تهدیدات زیست محیطی روبه رو هستند و از سوی هم مفاد پیمان پاریس باعث کندی روند توسعه

اقتصادی و پیشرفت تکنولوژیکی می‌شود. بر همین اساس اهمیت این تحقیق در این امر نهفته است که چه بسا مخاطرات زیست محیطی بیش از کشورهای شمال متوجه کشورهای جنوب باشد این در حالی است که در عرصه جهانی شدن و ارتباطات از یکسو نه می‌توان از مشکلات جهانی زیست محیطی چشم پوشی کرد و نه می‌توان تاثیرات اجرایی شدن این پیمان را در کند نمودن روند توسعه‌ی کشورهای جنوب منکر شد. بر همین اساس این مقاله بر آنست تا تاثیرات پیمان پاریس را بر روی کشورهای جنوب مورد بررسی قرار دهد تا بتوان با در نظر گرفتن آثار دوسویه‌ی آن به چشم انداز مناسبی برای آینده دست یافت.

۲. پیشینه تحقیق

با توجه به مورد اهمیت قرار گرفتن محیط زیست به عنوان یکی از جنبه‌های جدید امنیتی محافل و مکاتب بسیاری به بررسی این موضوع و ابعاد مختلف آن از یکسو و اقدامات صورت گرفته در این زمینه از سوی دیگر به پا خواسته‌اند. با توجه به نو بودن و تازه بودن پیمان آب و هوایی پاریس در منابع لاتین آثار مختلفی به بررسی این امر پرداخته‌اند اما در منابع فارسی گرچه متون مختلفی در خصوص محیط زیست و امنیت آن به نگارش در آمده است اما متن خاصی تا کنون به بررسی تاثیرات پیمان آب و هوایی پاریس بر کشورهای جنوب نپرداخته است. با این حال در ادامه مروری بر کارهای زیست محیطی صورت گرفته می‌شود تا نو و تازه بودن این مقاله آشکار گردد؛ در مقاله ای تحت عنوان پروتوکل کیوتو، رهیافت‌ها و چالش‌ها که توسط نسترن رحیمی و محسن بختیاری (۱۳۸۵) به نگارش درآمده است همانطور که از عنوان آن پیدا است به بررسی پروتوکل کیوتو و تاثیرات آن بر کشورها می‌پردازد تا با مشخص نمودن رهیافت‌ها و چالش‌های آن تصمیمات و برنامه‌ریزی‌هایی را برای آینده ایران ارائه دهند. در مقاله‌ی مروری بر نظریه‌های اجتماعی و مدیریت محیط زیست نویسندگان آن ناصر محرم نژاد و مهناز تهرانی (۱۳۸۹) به بررسی نظریه‌ها و نگرش‌های راجع به محیط زیست پرداخته‌اند و همچنین نظرات اندیشمندان و طلایه داران مختلفی همچون‌هابز، روسو و لاک را بررسی نموده‌اند. این در حالیست که در نوشتار پیش رو متفاوت‌تر از منابع موجود به بررسی جامع‌ترین پیمان آب و هوایی و تاثیرات آن بر کشورهای جنوب پرداخته شده است.

۳. چهارچوب نظری: نظریه‌ی سیاسی سبز^۱

از دهه ۱۹۷۰ به بعد گسترش مشکلات اکولوژیکی باعث پیدایش یک حوزه فرعی از روابط بین‌الملل در رابطه با مشکلات محیطی بین‌المللی اختصاصی بوده است که عمدتاً توجهش بر مدیریت منابع سرمایه‌گذاری مشترک نظیر سیستم‌های اصلی رودخانه‌ها، اقیانوس‌ها و اتمسفر معطوف بوده است. این دانش از آن زمان فضا را برای افزایش دادن وابستگی درونی اکولوژیکی اقتصادی جهانی و پیدایش مشکلات اکولوژیکی جهانی به شکل خاص مثل تغییر محیط، ضعیف شدن لایه‌ی اوزون و تحلیل تنوع زیستی زمین بیشتر کرده است. حجم وسیعی از تحقیقات نظام‌های محیطی (که مقدمه‌ای از گسترش چارچوب تئوریک لیبرالیسم است و به محیط صرفاً به عنوان یک حوزه مسأله جدید یا مشکل سیاسی جدید به جای یک چالش تئوریک جدید توجه کرده است) متمرکز است. با به پایان رسیدن قرن بیستم حجم فزاینده‌ای از تئوری روابط بین‌المللی سبز ظاهر شده‌اند و تئوری روابط بین‌المللی سبز را به وجود آورده‌اند. استفاده از مباحث سبز رادیکال از بیرون از نظام بین‌الملل به اشکار کردن بی‌توجهی به اکولوژیکی در تئوری روابط بین‌الملل کمک کرده است. این موج جدید بعضی از مفاهیم و مباحث را در روابط بین‌المللی و سیاست‌های جهانی بازتعبیر کرده است. با شناخت قدیمی و سنتی از امنیت و عدالت با مباحث جدیدی از امنیت اکولوژیکی، توسعه مناسب و عدالت محیطی وارد چالش شده است. نظریه سبز در بحث تغییر اقلیم جهانی راه نولیبرال‌ها را گسترش داده‌اند تا حوزه‌های نادیده گرفته شده سلطه و نیازهای انسانی و نیازهای نسل آینده را در برگیرند.

تولید صنعتی انبوه، خطر ته کشیدن منابع کمیاب موادخام و انرژی را به دنبال دارد. مسایل محلی مربوط به فرسایش زیست محیطی به طور فزاینده‌ای به یک مسأله بین‌المللی تبدیل شده‌اند. آلودگی هوا، دیگر محدود به مرزها نمی‌شود، برای نمونه باران اسیدی در فرانسه نه تنها مردم، آب زیرزمینی، ماهی، آب‌ها و جنگل‌های این کشور را تهدید می‌کند، بلکه کشورهای اروپایی همسایه نیز در معرض تهدید آن قرار دارند. اگر امنیت بین‌الملل و اقتصاد جهانی دو موضوع سنتی عمده در جهان سیاست هستند، اکنون به اعتقاد برخی از پژوهشگران، محیط زیست به عنوان موضوع عمده سوم مطرح شده است. سازمان ملل متحد، کنفرانس محیط

زیست انسانی را برای نخستین بار در استکهلم در ۱۹۷۲ برگزار کرد. نشست بزرگ ریو در سال ۱۹۹۲ به منظور برگزاری کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست و توسعه نخستین نشست جهانی در تاریخ دنیاست (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۳۲۴). در یک طرف این بحث‌ها مدرنیست‌ها قرار دارند که معتقدند بهبود مستمر در دانش علمی و ظرفیت‌های فن‌آوری در جهت تسلط بر محیط زیست هستند. در طرف دیگر این بحث‌ها اکورادیکال‌ها قرار دارند که معتقدند اکوسیستم گنجایش محدودی دارد و به دنبال کنترل شدیدتری روی جمعیت و تغییر عمده‌ای در شیوه‌ای زندگی مدرن هستند که بیشتر با محیط زیست سازگار باشد، کم مصرف باشد و مواد زائد کمتری را تولید کند (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۳۲۵).

با این وجود مسائل زیست محیط می‌تواند دولت‌ها را وادار سازد تا در همکاری‌های بین المللی بیشتر وارد شوند. دلیل آن این است که فرسایش زیست محیطی نوعی تهدید را به وجود می‌آورد که نه تنها تهدیدی برای دولت‌ها است بلکه یک تهدید برای بشریت به عنوان یک کل است. این امر تهدیدی برای مشترکات جهانی یعنی اقیانوس‌ها، دریاها، لایه اوزون و سیستم آب و هوا که سیستم حفاظه حیاتی برای بشریت به عنوان یک کل محسوب می‌شود، است. متعاقباً بعضی از پژوهشگران روابط بین‌الملل به منظور مقابله با این تهدید نیاز برای همکاری‌های جهانی را ضروری می‌بینند. مسائل زیست محیطی در سال‌های اخیر همکاری‌های بین‌المللی بیشتری را به وجود آورده است. رژیم‌های بین‌المللی در بعضی زمینه‌های خاص به وجود آمده‌اند تا موضوعات متعدد از جمله باران اسیدی، نابودی لایه اوزون، شکار نهنگ‌ها و خرید و فروش زباله‌های سمی، محیط زیست نواحی قطب جنوب، گرم شدن زمین و از بین رفتن تنوع زیستی پاسخ دهند. رژیم لایه اوزون یکی از موفقیت آمیزترین مثال‌های اخیر در مورد همکاری‌های بین‌المللی در زمینه محیط زیست است، این مسأله شامل توافق بین المللی جهت کاهش و در نهایت متوقف سازی تولید آمده است. درمقایسه دیگر رژیم‌ها به خاطر نبود تعهد کافی و همکاری محسوس از سوی کشورهای شرکت کننده کمتر موفق بوده اند (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۳۲۸-۳۲۷).

لذا با توجه به اهمیت مسائل زیست محیطی است که امروزه نظریه سیاست سبز در عرصه بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. لازم است که میان محیط زیست‌گرایی و سیاست سبز تفاوت قائل شد. محیط زیست‌گرایان ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و هنجاری را قبول دارند و تلاش دارند مشکلات را در درون آن ساختار حل کنند اما سیاست سبز ساختارها

را ریشه اصلی مشلات زیست محیطی می‌دانند و ادعا می‌کنند که آن‌ها ساختارهایی هستند که باید به چالش کشیده شوند و فراسوی آن گام برداشت. طرفداران این نظریه بر آن هستند که نظام دولت‌ها نمی‌تواند واکنش موثری در قبال این مشکلات از خود نشان دهد و توجه خود را بر دگرگونی سیاسی در مقیاس جهان‌گستر متمرکز می‌سازند (برچیل و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۳۹-۳۳۷). سبزه‌ها اظهار دارند که رشد اقتصادی فزاینده در طول دو سده گذشته علت ریشه‌ای بحران زیست محیطی فعلی است. از این دیدگاه توسعه پایدار نیازمند تقریباً محتوم ظرفیت‌های بهره‌گیری از مواد و انرژی و در نتیجه بازدهی اقتصادی است. اساساً استدلال این است که فضاهای مشترک اکنون در معرض تهدید توسعه قرار دارند که به طور مداوم می‌کوشد به منظور تبدیل آن‌ها به کالا دورشان حصار بکشند که سیاست سبز مخالف با این حصارکشی است. نظریه سیاست سبز تلاش می‌کند تا طیف معینی از مشکلات و پدیده‌ها را در عرصه جهانی تبیین کند و مجموعه‌ای از ادعاهای هنجاری در مورد انواع تغییرات سیاسی جهان‌گستر را که برای مقابله با چنین مشکلاتی ضروری‌اند مطرح سازد. این نظریه با تمرکز بر روابط بشریت و طبیعت، تمرکز بر محدودیت‌های رشد، دیدگاه خاص در مورد وجه مخرب توسعه و تمرکز زدایی و زدودن محوریت دولت ملت در پی حل مشکلات محیط زیست است. به طور واضح‌تری به دنبال آنند که چگونه ساختارهای سیاسی جهان‌گستر می‌توانند به نحوی اصلاح گردند که از چنین تخریبی جلوگیری کنند و زمینه یک رابطه انسانی پایدار با این سیاره و بقیه ساکنان آن را فراهم آورند (برچیل و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۶۲-۳۴۴).

به‌طور خلاصه موضوع محیط زیست ممکن است شامل مناقشات بین‌المللی بر سر منابع کمیاب مانند آب و همچنین همکاری جهت حفظ مشترکات جهانی مانند رژیم لایه ازوون بشود، نمی‌توان پیش‌بینی کرد که آیا همکاری حاکم خواهد شد یا عدم توافق، زیرا این مسأله به بعضی از شرایط مختلف و غیرقابل پیش‌بینی بستگی دارد. موضوعات مربوط به محیط زیست در طی سه دهه گذشته بارها و بارها در دستور کار بین‌المللی ظاهر شده‌اند. شمار فزاینده‌ای از افراد دست کم در کشورهای غربی، معتقدند که فعالیت اقتصادی و اجتماعی انسان به شیوه‌ای رخ می‌دهد که محیط زیست را تهدید می‌کند (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۳۲۸-۳۲۳).

۴. پیشینه‌ی پیمان‌های آب و هوایی

مفهوم محیط زیست جهانی تازه‌ترین مفهوم درباره محیط زیست است و ریشه‌های آن به مناظرات مربوط به بحران زیست‌محیطی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ باز می‌گردد. گرچه همواره محیط زیست جهانی وجود داشته است ولی بروز مخاطرات برای آن آماج توجه همگانی و سیاسی قرار گرفت (محرم‌نژاد و تهرانی، ۱۳۸۹: ۸). پایداری زیست‌محیطی بر کاهش استفاده از منابع طبیعی و انرژی‌های تجدیدناپذیر، جلوگیری از ائتلاف منابع انرژی، کاهش تولید پسماندها و تاکید بر استفاده مجدد و بازیافت پسماندها، استفاده از مواد قابل بازگشت به طبیعت و کاهش تولید آلودگی‌ها در صنایع و کشاورزی تاکید می‌کند. می‌توان گفت که اصول توسعه پایدار به طور خلاصه شامل توجه به استفاده از منابع تجدید پذیر مثل انرژی خورشیدی و باد، استفاده کمتر از انرژی‌های تجدیدناپذیر و آلاینده مثل سوخت‌های فسیلی، توجه به نسل‌های آینده، توجه به محیط زیست و کاهش آلودگی است (کشتکار قلاتی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۳).

واژه محیط‌زیست و تغییرات آب و هوایی زمینه‌ساز بروز واکنش‌های شدیدی در اذهان افراد نگران در خصوص آینده زیستی بشر شده است. این واژگان همچنین سبب بروز نگرانی‌هایی در خصوص رفاه موجود برای نسل حال و آینده می‌شود. دبیرکل سازمان ملل، بان‌کی‌مون، نگرانی‌های شدید خود را در این زمینه در قالب جملات جالبی عنوان می‌دارد «هشدارهایی که شنیده ام در صورتی که هم اکنون اقدام نکنیم، باید منتظر عواقب وخیم آن باشیم. کوه‌های یخ آب خواهند شد. سطح آب دریاها افزایش خواهد یافت. یک سوم گونه‌های گیاهی و حیوانی نابود خواهد شد. قحطی گسترده‌ای همه جای دنیا به ویژه آفریقا و آسیای مرکزی را در بر خواهد گرفت». دبیرکل همچنان با اشاره به کنوانسیون چارچوب سازمان ملل در خصوص تغییرات آب و هوایی به پیامدهای ناشی از تغییرات آب و هوایی در حال حاضر اشاره می‌کند. سیاست‌های زیست‌محیطی پاسخی است که به خطرهای زیست‌محیطی می‌دهد. بر مبنای این توجیه سیاست‌های زیست‌محیطی به موازات آشکارتر شدن و مشخص‌تر شدن مسائل و معماهای بوم‌شناختی برای مردم پدید می‌آیند. سیاست‌های زیست‌محیطی شیوه زندگی سیاسی خاصی است که مرتبط با جنبش‌های اجتماعی جدید است. هم اکنون ساکنان کشورهای در حال توسعه تغییرات آب و هوایی را به طور ملموس‌تری احساس می‌کنند. آن‌ها از امکانات کمتری برای مواجهه با طوفان، سیل و خشکسالی‌ها و شیوع انواع بیماری‌ها برخوردارند.

ساکنین این کشورها نسبت به تغییراتی که ذخایر آب و غذایی را تحت تاثیر می گذارند، به شدت آسیب پذیرند. آنها تمایل دارند تا از توسعه اقتصادی بهره‌مند گردند، لیکن تغییرات آب و هوایی تحقق این امر را دشوارتر می‌سازد (عصاری، ۱۳۹۵: ۵).

پیامدهای انسانی تحولات جهانی محیط‌زیست در نقاط مختلف متفاوت است. دوبرابر شدن میزان گاز دی اکسید کربن در جو می‌تواند اثر بارورکننده عمده‌ای بر برخی محصولات داشته باشد اما برخی دیگر تاثیر نداشته یا اینکه تاثیرش اندک است. بنابر پیش‌بینی‌های علمی، روند فعلی گرم شدن کره زمین موجب گسترش محصولات کشاورزی بسوی شمال زمین یعنی مناطق روسیه و ژاپن و کانادا می‌گردد. این درحالیست که همین مساله موجب افزایش دما و کم‌آبی و خشکسالی در عرض‌های جغرافیایی پایین‌تر نیمکره شمالی از جمله کشورهایی مانند ایران می‌شود. مناطق متعددی در جهان وجود دارند که تخریب زیست در آنها به استانه ایجاد خطر جدی برای ادامه حیات و یا سلامتی ساکنین آن رسیده است. در این مناطق سرعت تخریب، درحال پیشی گرفتن از توانایی انسان برای ممانعت یا سازگاری با آن است. لذا دانشمندان زیست محیطی امروزه ابعاد سیاسی حقوق استفاده از ذخایر را مورد تاکید قرار می‌دهند و بر ضرورت بررسی پیوندهای میان محیط زیست، اقتصاد و جامعه تاکید می‌کنند (محرم‌نژاد و تهرانی، ۱۳۸۹: ۱۱). بر مبنای همین نیازها و احساس خطرهای مشترک هست که در جهان شاهد تلاش برای ایجاد همکاری‌های مشترک در میان کشورها هستیم که می‌توان از توافقاتنامه‌های مختلف مانند، استکهلم، ریو، کیوتو، کپنهاگ و پاریس نام برد.

گرچه شکل‌گیری معاهدات زیست محیطی به اواخر قرن ۱۹ برمی‌گردد اما کثرت آنها از زمان کنفرانس ۱۹۷۲ ملل متحد درباره محیط زیست انسانی یا به عبارتی کنفرانس استکهلم^۱ به تصویب رسیده‌اند. کنفرانس استکهلم نقطه تحولی بود که آغاز یک دوره فشرده ۳۰ ساله را در معاهده‌سازی حوزه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و بسیاری از اقدامات ملی رقم زد. کنفرانس استکهلم بوجود آورنده: برنامه محیط‌زیست ملل متحد، صندوق زیست محیطی، یک برنامه عمل و بیانیه استکهلم بود که این بیانیه توسط ۱۱۳ دولت به تصویب رسید دارای ۲۶ اصل از جمله منافع نسل‌های حاضر و آینده، زیست‌بوم‌ها، ضرورت همکاری بین‌المللی، همگرایی توسعه و محیط‌زیست و ... می‌باشد (برمکی، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۵).

۴-۱. بیانیه ریو

کمیته مذاکراتی از سوی سازمان ملل تعیین شد که پیش نویس کنوانسیون را در روز ۹ ماه می در ۱۹۹۲ در مقر سازمان ملل در نیویورک تصویب کرد. این کنوانسیون در اجلاس زمین در ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیروی برزیل جهت امضای اعضا آماده گردید و در طول کنفرانس ریو ۱۵۴ سران و مقامات کشورهای مختلف آن را امضا و از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۹۴ در ۵۰ کشور عضو لازم الاجرا شناخته شد. این بیانیه مشتمل بر چندین اصل کلی برای تعیین وظایف کشورها و همکاری‌های بین‌المللی برای محافظت از محیط زیست، نقش و حقوق شهروندان، زنان و ساکنان بومی می‌باشد. برای مثال اصل ۷ وظایف مشترک همه کشورها را در مقابل محیط‌زیست بیان می‌کند و اصل ده بهترین راه مقابله با معضلات زیست محیطی را مشارکت آحاد مردم، آموزش عمومی و اطلاع رسانی درست بیان می‌کند و یا اصل ۱۵ ضرورت اتخاذ رویکردهای پیگیرانه را می‌گوید که فقدان شواهد علمی نباید مانع از اجرای اقدامات مفید برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست شود. از اهداف نهایی کنوانسیون: دستیابی به تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای، تنظیم و اجرای برنامه‌های کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، همکاری و توسعه روش‌های انتقال فناوری برای کاهش انتشار در بخش‌های مختلف انرژی، حمل و نقل، صنعت، کشاورزی، جنگل و ضایعات جامد و مایع، در نظر گرفتن موضوع تغییر آب و هوا در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در تهیه روش‌های تطبیق با پدیده تغییر آب و هوا و ... است. در این کنوانسیون تعهدات کشورهای صنعتی و غیرصنعتی متفاوت است مثلاً کشورهای توسعه یافته تعهداتی مثل کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، اعطای کمک مالی و فنی برای کاهش اثرات گازها و ارائه گزارش کنوانسیون است و تعهدات کشورهای در حال توسعه هم از قبیل تهیه گزارش ملی، تدوین برنامه برای کاهش گاز گلخانه‌ای و ... است (عتابی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۴۶). علاوه بر این دستورالعمل ۲۱، یک سند ۴۰۰ صفحه‌ای شامل ۴۰ بخش برای راهکارهای توسعه پایدار بیان می‌کند که موضوعاتی همچون تشویق در جهت توسعه پایدار شهری، مقابله با نابودی جنگل‌ها، آلودگی‌ها و ... مورد بررسی قرار گرفت. قابل ذکر است که انجام تعهدات کشورهای در حال توسعه منوط به اجرای موثر تعهدات مالی و انتقال فن‌آوری کشورهای توسعه یافته است. بعد از آن در سال ۲۰۰۲ در ۲۶ اگوست در مرکز شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی برگزار شد که سران ۱۹۱ کشور و ۱۰۳

نفر از روسای دولت‌ها حضور داشتند که در خصوص تعهدات اجلاس ریو بازبینی‌هایی مطرح شد که اساساً بر اساس دستاوردهای ریو تدوین شده بود (عصاری، ۱۳۹۵: ۳۵).

۲-۴. بیانیه پروتکل کیوتو^۱

در ۱۶ مارس ۱۹۹۸ این پروتکل به جهت امضا گشوده شد که طرف‌های متعهد آن کشورهای توسعه یافته و کشورهای توسعه نیافته هستند. این پروتکل دارای ۲۸ ماده و ۲ ضمیمه است. این تعهدنامه کشورهای صنعتی را ملزم به کاهش نشر گازهای گلخانه‌ای مشترک تا حداقل ۵ درصد نسبت به سال نشر ۱۹۹۰ نموده است. از جمله اهداف این پروتکل محافظت و افزایش چاهک‌ها و انباره‌های گازهای گلخانه‌ای، ارتقای اشکال پایدار فعالیت کشاورزی مربوط به تغییر آب و هوا، تحقق ارتقا توسعه و استفاده از انواع جدید و تجدیدپذیر انرژی و فناوری‌های کنترل نشر، کاهش تدریجی یا حذف نقایص بازار، انگیزه‌های مالی، معافیت‌های مالیاتی و یارانه‌های مالی در بخش‌های انتشاردهنده گازهای گلخانه‌ای که در تضاد با اهداف کنوانسیون هستند، محدود کردن و کاهش انتشار متان و ... کشورهای مختلفی موافق این پروتکل و کشورهای دیگر مخالف آن بودند. از جمله نقطه نظرات کشورهای موافق با لازم‌الاجرا شدن پروتکل شامل: نیاز به انجام اقدامات کنترل و مقابله بر اساس وقایع جهانی و شواهد دال بر خطر تغییر آب و هوا و تخریب محیط‌زیست، ضرورت تثبیت گازهای گلخانه‌ای برای حفاظت از زیست بوم و تولید غذا و توسعه اقتصادی پایدار، برخورداری کشورهای در حال توسعه و آسیب‌پذیر از امکانات سازوکارهای بین‌المللی برای تطابق و مقابله با تغییر آب و هوا و ... در مقابل کشورهای مخالف آن نقطه نظرانی همچون: عدم داشتن اثرات سوء برای کشورهای که مسؤول اصلی تغییرات محیط زیست نیستند، عدم پذیرش تعهد در مورد نشر گازهای گلخانه‌ای از سوی کشورهای مثل چین و گروه ۷۷، مشخص نبودن تعهد کمی متعهدان، گران بودن فرایندهای کاهش نشر، اثرات نامطلوب بر کشورهای در حال توسعه (رحیمی و بختیار، ۱۳۸۵: ۸۰-۸۲).

۳-۴. توافقنامه کپنهاگ^۲

متشکل از متنی است غیر الزام‌آور دارای ۱۲ پاراگراف و ۲ جدول ضمیمه که کشورها باید تا پایان ژانویه ۲۰۱۰ اقدامات خود در زمینه کاهش گازهای گلخانه‌ای اظهار نمایند. این متن

1. Kyoto Protocol
2. Copenhagen Agreement

که توسط ۲۵ کشور تهیه شده است پس از جلسه مشترک رئیس جمهور آمریکا با نخست وزیران چین، هند و رئیس جمهور آفریقای جنوبی و برزیل و توافق ذهنی آنها با یکدیگر ارائه شد. محورهای اصلی آن عبارت است از:

توافق همه اعضا مبنی بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به نحوی که دمای زمین ۲ درجه افزایش نیابد، تهیه برنامه جامع برای سازگاری کشورهای آسیب پذیر با حمایت مالی و تکنولوژیکی کشورهای توسعه یافته، تلاش برای دستیابی به منابع جدید مالی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با شرایط جدید، تاکید بر اهمیت و نقش جنگل‌ها، ایجاد صندوق آب و هوایی سبز کپنهاگ، تامین مبلغ ۳۰ میلیارد دلار آمریکا تا پایان ۲۰۱۲ برای کمک به کشورهای آسیب پذیر، تعهد کشورهای ضمیمه کیوتو به اعلام میزان کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، ایجاد مکانیسم انتقال تکنولوژی، کشورهای در حال توسعه نیز به صورت داوطلبانه تعهد خود در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تا پایان ۲۰۲۰ را اعلام کنند (دفتر طرح ملی تغییر آب و هوا، ۱۳۹۵).

۳-۴. پیمان آب و هوایی پاریس^۱

بیست و یکمین نشست کنفرانس اعضا متعهد و یازدهمین جلسه متعهدین پروتکل کیوتو از ۳۰ نوامبر الی ۱۱ دسامبر در فرانسه، پاریس برگزار شد. مذاکرات پاریس که با هدف رسیدن به یک توافق جهانی و محدود نمودن تغییرات اقلیمی برگزار شد و در پایان نشست، توافقنامه پاریس تصویب و منتشر شد این قرارداد برای مقابله با تغییرات اقلیمی و باز شدن گره‌ها برای اقدامات علیه تغییر اقلیم و همچنین سرمایه‌گذاری در جهت اقتصاد کم کربن، مقاوم، انعطاف پذیر و پایدار (Villis, 2014: 1) توسط ۱۹۵ کشور مورد توافق قرار گرفته است. توافقنامه پاریس برای اولین بار باعث گردید که تمامی کشورها برای انجام کاری مشترک بر اساس مسؤولیت‌های تاریخی، حاضر و آینده‌شان در کنار هم به توافق برسند. عده‌ای از سیاستمداران معتقدند که رسیدن به این چنین پیمان تاریخی با توجه به افزایش دمای زمین باعث کمک به توافقات بین‌المللی برای توسعه می‌شود به خصوص در زمینه‌های حذف فقر، بهبود سلامت، ساخت امنیت و ... که همه به تغییرات آب و هوایی مربوط هستند (Villis, 2014: 1) که اهداف اصلی این توافق جهانی جلوگیری از افزایش دمای کره زمین در این قرن

زیر ۲ درجه سانتی‌گراد و همچنین ایجاد تلاش برای محدود کردن دما به افزایش آن به زیر ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد نسبت به سطح آن قبل از صنعتی شدن است. این توافقنامه شامل یک چارچوب بسیار شفاف شامل اقدامات و حمایت‌ها است. این چارچوب وضوح کاهش انتشار و اقدامات سازگاری کشورها را و همچنین شروط حمایت‌ها را تهیه خواهد کرد. در عین حال شرایط برای کشورهای کمتر توسعه یافته و جزایر کوچک نیز مشخص می‌شود (Moosmann & other, 2016: 36-37). توافقنامه شامل یک بازنگری جهانی است که از ۲۰۲۳ شروع خواهد شد تا پیشرفت کاری جمعی در جهت اهداف این توافقنامه مورد ارزیابی قرار گیرد و این بازنگری هر پنج سال یکبار انجام می‌گیرد. از عناصر اساسی آن؛ کاهش انتشار، کاهش انتشارات به‌طور سریع که بر طبق اهداف رسیدن به دمای موردنظر باشد (دفتر طرح ملی تغییر آب و هوا، ۱۳۹۵). به‌طور کلی محورهای توافقی پاریس را می‌توان: کاهش، تطبیق پذیری، آسیب و از دست دادن، مالی، توسعه فناوری و انتقال، ظرفیت سازی، شفافیت عمل و پشتیبانی، گفتگو و تسهیل، افزایش عمل قبل از ۲۰۲۰ دانست (UN, 2015: 4-20).

دامنه شکل‌گیری آنچه که در پاریس گذشت، از پنج سال قبل در قالب مذاکرات و از ۱۰ سال قبل در قالب هشدارهای جامعه جهانی مطرح بود. بنابراین جهان به این جمع‌بندی رسید که در فاصله ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ میلادی تعهدات عقب مانده کشورهای توسعه یافته را در قالب انتشار گازهای گلخانه‌ای، تامین منابع مالی برای کشورهای در حال توسعه، انتقال توسعه فناوری و ظرفیت‌سازی به صورت شتاب‌گیری بیشتر دنبال شود تا از اول ژانویه ۲۰۲۱ میلادی تعهداتی برای کاهش گازهای گلخانه‌ای برای همه کشورهای ۱۹۶ عضو کشور سازمان ملل در قالب کنوانسیون تغییرات آب و هوا باشد (شفیع‌پور، ۱۳۹۵: ۱).

در قالب توافقنامه پاریس سازوکارهایی برای کمک منابع مالی نه بلاعوض پیش‌بینی شده است، وجود منابع مالی که بتواند جذب بخش‌های مختلف برای سرمایه‌گذاری شود، بنابراین ظرفیت‌سازی و انتقال و توسعه تکنولوژی جزو تعهدات کشورهای صنعتی است که بتواند کشورهای در حال توسعه را در کاهش گازهای گلخانه‌ای همراه کنند. برای ظرفیت‌سازی و انتقال تکنولوژی نیز ساز و کاری پیش‌بینی شده است که کشورهای توسعه یافته و داوطلب در حال توسعه به صندوق اقلیم محیط‌زیست تزریق منابع کنند و در نظر گرفته شده که حداقل تا سال ۲۰۲۵ سالانه معادل ۱۰۰ میلیارد دلار در قالب بلاعوض، چندجانبه و دوجانبه تامین منابع مالی با نرخ‌های تشویقی صورت گیرد تا ۵۰ درصد آن صرف کاهش انتشار گازهای

گلخانه‌ای در کشورهای درحال توسعه و ۵۰ درصد آن صرف اقدامات سازگاری شود (شفیع‌پور، ۱۳۹۵: ۱).

برای مشخص نمودن تاثیرات این پیمان بر روی کشورهای جنوب ابتدا باید برخی مولفه‌ها و تاثیر آن در شرایط داخلی کشورهای جنوب را بررسی نمود که در رشد و توسعه بسیار مورد توجه هستند و عبارتند از مولفه‌های صنعتی و تکنولوژیکی، مهاجرت و اقلیم، که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است.

۵. اجرایی شدن پیمان پاریس و کشورهای جنوب

اگر چه این توافقنامه به توسعه پایدار کمک می‌کند و تمرکز بر توسعه پایدار به رفع اختلافات میان کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه کمک می‌کند. اما حتی قبل از کنفرانس استکهلم، کشورهای درحال توسعه به صراحت اعلام داشته‌اند که حفاظت و نگهداری از محیط زیست نباید به قیمت عدم توسعه آن‌ها بدست آید. آن‌ها معتقدند که بیشتر آلودگی‌ها و تخریبی که کره زمین با آن مواجه است، نتیجه فعالیت صنعتی کشورهای توسعه یافته است. اگر کشورهای توسعه یافته از کشورهای درحال توسعه می‌خواهند تا از فناوری‌های آلوده کننده صرف نظر کنند، باید برای پرهیز از متاثر شدن رشد کشورهای درحال توسعه به تامین حمایت‌های مالی و فناوری در جهت این تقاضا قدم بردارند. نیازها و شرایط ویژه کشورهای درحال توسعه، به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته و آن دسته از کشورهایی که از لحاظ زیست محیطی آسیب پذیرترند می‌باشند، باید از اولویت خاصی برخوردار گردند. اقدامات بین-المللی در زمینه محیط‌زیست و توسعه باید پاسخگوی منافع و نیازهای تمامی کشورهای جهان باشد (برمکی، ۱۳۸۸: ۲۹ و ۲۱۴). ابتدا لازم است که چند نکته از منظر شرایط داخلی کشورهای در حال توسعه بیان گردد:

- در زمینه اقتصادی لازم است بیان شود که جهانی شدن، اقتصاد ملی اکثر کشورها به خصوص کشورهای جنوب را به چالش کشیده است. در بسیاری از کشورهای درحال توسعه به دلیل دولتی بودن بخش بزرگی از نظام مالی، خدمات بانکی ناکارا، کمبود منابع، وجود ساختار دوگانه بخش مالی (رسمی و غیررسمی بودن) و غالب بودن عملکرد بخش غیررسمی، نهادها و موسسات مالی از کارایی مطلوبی برخوردار نیستند (سلمانی و امیری، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

- در زمینه اقلیم و شرایط آب و هوایی برخی کشورهای در حال توسعه در شرایط تقریباً بد جوی قرار گرفته‌اند که منجر به محدودیت‌هایی می‌شود. همچنین عوامل جاذبه همچون فرصت‌های شغلی بهتر، حقوق بالاتر، خدمات بیمه‌ای و اجتماعی بهتر و یا از عوامل دافعه: تورم، بیکاری، عوامل زیست‌محیطی همچون آلودگی (مواردی از مهاجرت به علت آلودگی محیطی و آلاینده‌ها بخصوص برای افراد بیمار می‌باشد)، شرایط آب‌وهوایی، خشکسالی و... باعث شده است که در کشورهای جنوب شاهد افزایش مهاجرت به شمال باشیم که این امر آثار خاص خود را از جمله خروج ارز و نیروی ماهر را در کشورهای جنوب برجای می‌گذارد (گر، ۱۳۷۷: ۱۰۵).

- مسأله دیگر سرمایه‌گذاری خارجی است که سرمایه‌های داخلی را نیز به تحرک وا داشته و کشورهای در حال توسعه را قادر ساخته است که به تکنولوژی تولید در کشورهای صنعتی دسترسی بیشتری داشته باشند که به توسعه سریع صادرات کشورهای در حال توسعه کمک کرده است (کلانتری و خلیلی، ۱۳۸۹: ۳۱). یکی از مهمترین موضوعات مطرح در حوزه مباحث توسعه، که مستقیم یا غیر مستقیم مورد توجه اقتصاددانان توسعه قرار گرفته است، مسأله آثار تکاثری یا انتشار پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در کشورهای در حال توسعه است.

- حضور شرکت‌های چند ملیتی هم نقش بسیار موثری را از یکسو در ورود سرمایه و از سوی دیگر در پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیکی داشته است. تاثیراتی همچون تنوع در کالاهای تولیدی، افزایش کیفیت، افزایش صادرات، تغییرات و تحولات در عرصه اقتصادی و اجتماعی که مهمترین آن بالابردن نیروی و فرصت کار از یک سو و آشنایی با تکنولوژی‌های جدید و کاهش قیمت‌ها از سوی دیگر است. سطح تکنولوژی‌های کشورهای پیشرفته و جهان سوم فاصله محسوسی دارد. برای کاستن فاصله تکنولوژی کشورهای پیشرفته و کمتر توسعه یافته، انتقال تکنولوژی یک لازمه انکار ناپذیر است. موافقتنامه‌های زیست محیطی اغلب خواستار انتقال فناوری پاک و معقول از نظر زیست محیطی به کشورهای در حال توسعه هستند تا آن‌ها را قادر سازد در قبال منابع یا اثرات مشکلات زیست محیطی در قلمرو ملی خود واکنش نشان دهند. البته گاهی از تعیین این مشخصه‌ها برای به تعویق انداختن انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود (برمکی، ۱۳۸۸: ۱۶۵-۱۶۴). تجربه موفقیت‌آمیز این کشورها نشان داده است که فراگیری و انتقال گسترده تکنولوژی‌های مناسب و مدرن به این کشورها آن‌ها را قادر می‌سازد تا بر بهره‌وری خود بیفزایند و در نتیجه به توسعه صنعتی این کشورها منجر گردیده

است. به عنوان مثال، کشورهایی نظیر کره جنوبی، تایوان، برزیل و مکزیک بیشتر از طریق واردات و انتقال تکنولوژی خارجی به عنوان کشورهای تازه صنعتی شده در شرق آسیا و آمریکای لاتین مطرح گشتند (بناوند، ۱۳۸۶: ۱۵). امروزه توسعه صنعتی یکی از عوامل موثر توسعه اقتصادی است که خود تابع متغیرهای تکنولوژیکی محسوب می‌شود (باقرزاده و مفتاحی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). مجموعه این اقدامات باعث انعطاف‌پذیر شدن اقتصاد کشورهای در حال توسعه شده است و آن‌ها را در برابر بسیاری از تحولات مقاوم کرده است.

با توجه به توضیح وضعیت کشورهای در حال توسعه که با مجموعه‌ای از فشارهای فزاینده و اغلب متضاد از جانب نهادهای بین‌المللی، بازیگران بازاری و جامعه مدنی در بازه شیوه ایجاد سازش میان حفاظت از محیط زیست و اهداف گسترده‌تر توسعه روبه‌رو هستند. اگر مفاد پیمان پاریس بدون نگاه و توجه ویژه به کشورهای در حال توسعه اجرا شود از یکسو باعث کاهش اشتغال، کاهش صادرات، تولید، تعطیلی برخی شرکت‌های چندملیتی، بیکاری کارگران می‌شود که در ادامه به تاثیر مفاد بندهای این پیمان بر اوضاع کشورهای مذکور پرداخته می‌شود.

ابتدا باید بیان گردد که یکی از ایرادات وارده مبنی بر جامع و کامل نبودن این پیمان برای کشورهای جنوب آن است که در پیمان آب و هوایی پاریس به طور جامعی به معضل جمعیت اشاره نشده است چرا که اگر بنا بر جمعیت باشد باید این امر مورد سنجش و ارزیابی قرار بگیرد که مثلاً کشور جهان سومی با جمعیت کم در مقابل کشورهای پرجمعیت مانند آمریکا و چین میزان آلودگی چندانی را ندارند لذا وظایف یکسانی را هم نباید متوجه آن‌ها باشد. این کشورها همانطور که از نامشان پیداست در حال طی کردن روند توسعه هستند که توسعه نیز مستلزم داشتن سطحی از دانش و صنعت است. شاید بتوان گفت که بیش از نیمی از کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند خود به دانش و علم صنعتی دست بیابند و همین چند قدم از توسعه هم که طی نموده‌اند از طریق انتقال صنعت و تکنولوژی بوده‌اند ولی نمی‌توان منکر دستیابی برخی از کشورهای در حال توسعه به درجه‌ای از توسعه از طریق اتکا به دانش و علم خود شد. در حال توسعه همراه با صنعت و تکنولوژی برای کشورهای در حال توسعه امری ضروری و به هم پیوسته تلقی شده است. چرا که از یک سو صنعت و تکنولوژی منجر به اشتغال زایی در این کشورها شده است در نتیجه کیفیت زندگی در این جوامع بالا رفته است. از سوی سرمایه گذاری‌های خارجی و تاسیس شرکت‌های چند ملیتی نیز در راستای فعالیت‌های صنعتی و تکنولوژیکی است و همچنین باعث عدم مهاجرت افراد برای کار و حتی دانش شده است

در نتیجه باعث عدم خروج نخبگان و نیروی کار از یکسو و ارز از سوی دیگر از کشورها در اثر مهاجرت شده است. تمامی این امور باعث گردیده که این کشورها هم بتوانند سهم هرچند کمی در مبادلات و تجارت و ارتباطات جهانی داشته باشند. همچنین آن‌ها قادر شده‌اند که به واسطه همین پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیکی برخی از مشکلات داخلی خود را به تنهایی حل نموده در حالیکه قبلاً برای حل بسیاری از مشکلات داخلی خود به کمک دیگر کشورهای توسعه یافته احتیاج داشته‌اند. این درحالیست که برای کاهش مخاطرات زیست محیطی و کاهش دمای زمین باید فعالیت‌های صنعتی و تولیداتی کاهش بیابد که این امر منجر به کاهش تولید و درآمد کشورهای جنوب می‌گردد.

از منظری دیگر اگر بنا بر استفاده از سوخت‌های دیگر و کم آسیب‌تر باشد این امر توان استفاده و هزینه سازی برای استفاده از سوخت‌های جدید را از جنوب سلب می‌کند در هر صورت اینگونه اقدامات بدون داشتن چشم انداز ویژه به وضعیت کشورهای جنوب باعث شکاف بیشتر میان کشورهای شمال و جنوب می‌شود. بنا بر توضیحات و مقایسه وضعیت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، اگر مفاد پیمان پاریس بخواهد اجرا شود نیازمند چشم‌اندازهای وسیعتری برای کشورهای در حال توسعه است. اگر چه به ثمر نشستن و اجرا شدن این مفاد از قبیل رساندن گرمای زمین به ۲ الی ۱/۵ درجه سانتیگراد تاثیرات مثبت بیشتری را در کشورهای در حال توسعه نسبت به توسعه یافته دارد اما باید در نظر داشت که توسعه پایدار دو بعد دیگری یعنی اجتماعی و اقتصادی را نیز دارد که در کنار تقویت بعد توسعه زیست محیطی باید برنامه و آینده نگری وسیعتری را برای کشورهای در حال توسعه داشت.

رسیدن به این امر به معنای تعطیلی برخی کارخانه‌جات صنعتی و تکنولوژیکی و شرکت‌های چند ملیتی و پایین آمدن میزان تولید در نتیجه کاهش درآمد می‌باشد که پایه‌های اساسی توسعه این کشورها هستند و هنوز آن‌ها به سطح کامل توسعه صنعتی و فنی نرسیده‌اند که بتوانند به راحتی استفاده از سوخت‌های فسیلی و انرژی خورشیدی را جایگزین کنند و یا تولیدات کالاهای صنعتی خود را کاهش و یا متوقف نمایند. به خصوص اینکه در این پیمان مسائلی همچون بدهی‌ها، شرایط تجارت و یا وضع مقررات برای عملکرد شرکت‌های چندملیتی چندان توجه نشده است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه در پی جلب توجهات جهانی به اینگونه مسائل هستند. یکی از مهمترین نگرانی‌های این کشورها در این پیمان معیارهای موجود در پیمان است که منجر به ایجاد موانعی برای تجارت آنها می‌شود و ممکن است به

عنوان دستاویزی برای سیاست‌های حمایت‌گراانه برای حفاظت از تولیدکنندگان کشورهای شمال در برابر صادرات کشورهای جنوب به کار رود (ساعی و میرترابی، ۱۳۸۷: ۲۶۷). برای کاهش دمای زمین یکی از مهمترین اقدامات صنایع استخراجی است. سالهاست که فعالان محیط زیست صاحبان صنایع معدنی را سبب آلوده کردن محیط‌زیست می‌دانند این درحالیست که کشورهای درحال توسعه منابع معدنی فراوانی را دارند که این امر سبب جذب صنایع استخراجی می‌شود و یکی از مهمترین عوامل رشد اقتصادی آن‌ها محسوب می‌شود. اگرچه این پیمان را نیز کشورهای درحال توسعه امضا نموده‌اند اما این نگرانی وجود دارد که کشورهای شمال دستورکارهای آن را کنترل و جابجا کنند همانطور که امروزه شاهد ادعای آمریکا برای خروج از این پیمان هستیم.

همچنین تاثیر دیگر مفاد این پیمان در خصوص انتقال تکنولوژی و فناوری است که بسیاری این کار را چیزی شبیه به استعمار زیست محیطی می‌دانند. چرا که آشکار نیست که چه نوع فناوری به این مناطق انتقال داده می‌شود چرا که در طول تاریخ فناوری‌هایی که به کشورهای درحال توسعه انتقال داده می‌شود اغلب خارج از رده هستند و دیگر بازاری برای این گونه فناوری در کشورهای شمال وجود ندارد و انتقال آن‌ها وابستگی کشورهای دریافت‌کننده را به شمال تحکیم می‌بخشد. از سویی هم این پیمان فشارهای اقتصادی جهانی که بر کشورهای درحال توسعه است را تا حدودی نادیده و راهکاری مشخص برای برخورد و مقابله با آن بیان نشده است.

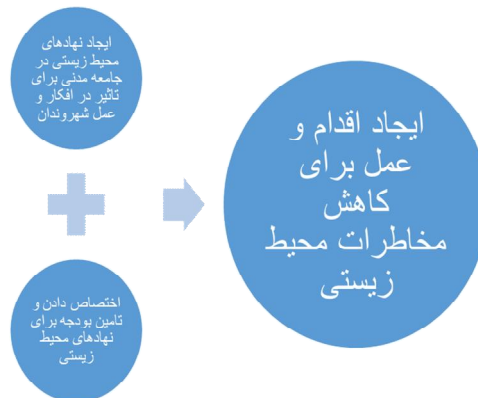
اما آخرین تاثیر اجرایی شدن این پیمان را می‌توان درخصوص هزینه‌های اجرایی آن بررسی کرد اگرچه این پیمان مفادی از جمله اختصاص سالانه مقداری پول برای جبران هزینه‌ها در نظر گرفته شده است اما اولاً نه ضمانتی برای اینکار و پرداخت آن وجود دارد و نه می‌تواند به طور کامل به جبران هزینه‌های انجام شده بپردازد. لذا هزینه‌های این کشورها برای برنامه‌های زیست‌محیطی باعث رکود اقتصادی می‌شود.

در کل گمان می‌رود اجرای قواعد کلی امکانپذیر نیست و کشورهای عضو در این طیف روندهای متفاوتی را دارند که ناشی از عواملی همچون، عامل قدرت، تفاوت در منابع برای مشارکت در روند جهانی، توانایی در حوزه اجرای سیاست زیست محیطی، درجه اهمیت برای نگرانی‌های زیست‌محیطی که نشان‌دهنده سرشت سیاست دموکراتیک هر کشور است، عدم داشت توان کافی برخی از موکلان کشورها برای اجرای سیاست‌های زیست محیطی کارآمدتر،

هستند (ساعی و میرترابی، ۱۳۸۷: ۲۷۱-۲۶۹). بنابراین در این روند بسیاری از آنهایی که بیشترین نقش را در ایجاد ضایعات زیست‌محیطی دارند همان‌هایی نیستند که بدترین پیامدهای این ضایعات را تحمل می‌کنند. این کشورها زمانی بزرگترین عوامل بروز این مشکلات بوده‌اند. بسیاری از کالاهای صنعتی مورد نیاز این کشورها امروزه در کشورهای در حال توسعه از طریق سرمایه‌گذاری‌های خارجی و شرکت‌های چند ملیتی تولید و به این کشورها صادر می‌شود بنابراین نگرانی خاصی در خصوص تولید برخی کالاهای صنعتی ندارند. اما در کشورهای در حال توسعه گروهی از آن‌ها بر این احساس‌اند که برنامه‌های زیست‌محیطی و پیمان پاریس تهدیدی است که چشم‌انداز رشد اقتصادی آن‌ها را کاهش می‌دهد لذا در شیوه برخورد آن‌ها با این امر روندی از استمرار و تغییر دیده می‌شود ولی این درحالیست که جهانی‌شدن پیوند میان محیط‌زیست و توسعه را تغییر داده است. بنابراین کشورهای در حال توسعه با یک دوگانگی روبه‌رو هستند که از یک سو چشم‌پوشی از مخاطرات محیط‌زیستی امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی آن‌ها بسیار وابسته به صنعت، تکنولوژی و فناوری می‌باشد و مسأله مهم آنکه در بسیاری از مناطق جهان مسائل زیست‌محیطی در روندهای عملی تصمیم‌گیری جایگاهی درخور ندارد و پیوند لازم میان اینگونه مسائل با برنامه‌های گسترده‌تر اقتصادی و اجتماعی برقرار نشده است (ساعی و میرترابی، ۱۳۸۷: ۲۶۳-۲۶۲)

در خصوص ایران نیز باید بیان داشت که مانند هر کشور دیگر در حال توسعه اکنون اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی ایران بسیار حساس می‌باشد از یکسو تحریم‌های شدید چندساله برخی کشورها باعث ایجاد برخی از محدودیت‌ها برای اقتصاد کشور شده است گرچه با همت و اراده داخلی بسیاری از محدودیت و کاستی‌ها برطرف گردیده است اما این امر نیازمند توجه بیش از پیش می‌باشد چرا که یکی از پایه‌های اصلی و دغدغه اصلی چنین جوامعی در جهت رشد پایدار ابتدا توسعه اقتصادی می‌باشد با عنایت به این امر که مشارکت در اقتصاد جهانی منجر به رشد سریعتر اقتصاد داخلی کشورها می‌گردد لزوم توجه ویژه به مفاد این گونه قراردادها را بیش از پیش می‌طلبد. از سوی هم در این گونه جوامع و ایران باید نهادهایی به وجود بیایند که مختص به اهداف محیط‌زیستی باشند و در راستای محیط‌زیستی پاک اقدام به عمل نمایند مانند تبلیغات بیشتر و آشنا نمودن مردم و جوامع مدنی با این خطر بزرگ که زندگی همه افراد را در درون هر جامعه‌ای تحت تاثیر قرار خواهد داد. اما به نظر می‌رسد ایجاد چنین نهادهایی چه در ایران و چه در هر کشور در حال توسعه‌ی دیگری اولاً به زمانی طولانی احتیاج

دارد و دوما نیازمند بودجه می‌باشد که شاید برای برخی از کشورها نوعی خرج اضافی تلقی گردد و سنجش هزینه‌های این نهادها مانع از اقدام و عمل گردد.



نتیجه‌گیری

با استناد به تحلیل‌های موجود در متن شمار موسسات و موافقتنامه‌های زیست محیطی و فعالیت‌های به ثمر رسیده بر اساس موافقتنامه‌ها از نظر حجم و تخصص افزایش یافته و اثرات ماهوی فزاینده‌ای حاصل شده است که جامعترین آن‌ها پیمان پاریس ذکر گردیده است. اما همانطور که بررسی شد این پیمان دارای مفادچندگانه‌ای است که برای اجرا شدن آن‌ها، نیاز به کاهش در بعضی از ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی هست و یا در صورت اجرایی شدن منجر به توقف در ابعاد نام برده می‌گردد که این امر برای کشورهای درحال توسعه زیان بار تلقی شود. بر همین اساس اجرایی شدن این پیمان با چالش‌هایی برای کشورهای درحال توسعه همراه است که عبارتند از:

- عدم تأمین و تضمین منابع کافی از سوی کشورهای کمک دهنده‌ی شمال، مانند آمریکا که اکنون مدعی خروج از پیمان می‌باشد؛
- عدم انتقال تکنولوژی پیشرفته و صنایع مادر به کشورهای جنوب؛
- تقبل هزینه‌ی برابر مانند کشورهای پیشرفته و پرجمعیت مثل چین که این امر تاثیر نامناسب را در ابعاد توسعه پایدار کشورهای جنوب دارد؛
- توقف و کاهش استفاده از تکنولوژی و صنعت که باعث کاهش تولید و درآمد می‌شود؛

- امکان ایجاد فشارهای اقتصادی بر کشورهای درحال توسعه برای سرمایه‌گذاری در اجرای توافقنامه؛
- معضلات مربوط به جمع‌آوری اطلاعات و گزارش دهی برای کشورهای درحال توسعه با توجه به ظرفیت و منابع محدود آنها برای گزارش دهی درمورد تولید، مصرف و تجارت مواد مخرب برای محیط‌زیست و ...
- و اما راهکارهای مناسب عبارتند از:
 - رشد متدولوژی‌های نوین و بهتر برای بهبود مشارکت محلی و ظرفیت‌سازی بهتر؛
 - انتقال فناوری‌های مناسب از سوی کشورهای توسعه یافته به کشورهای جنوب؛
 - آموزش نیروی ماهر و فراگیری دانش‌های نوین؛
 - کمک به افزایش ظرفیت برخی از کشورهای درحال توسعه برای همانندسازی و جذب فناوری‌های نوین؛
 - اصلاح برداشت کشورهای درحال توسعه از نابودی محیط‌زیست به عنوان مشکلات جهان صنعتی از سوی ساختار و نهادهای بین‌المللی و کشورهای پیشرفته؛
 - اصلاح ساختارهای جهانی مربوط به محیط زیست در جهت شناخت توانایی (اقتصادی-تکنولوژی) کشورها برای مراقبت از محیط زیست و عهده دار نمودن آنها با توجه به ظرفیت داخلی؛
 - تخصیص بودجه به کشورهای در حال توسعه برای همانندسازی فعالیت‌ها برای محیط زیست پاک و سالم؛
 - نهادینه کردن مسائل محیط زیستی و ایجاد نهادهای مختلف برای آموزش شهروندان در جهت مراقبت از محیط زیست.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- باقرزاده، مجید و مفتاحی، جلال (۱۳۹۰). «بررسی عوامل موثر بر موفقیت انتقال تکنولوژی صنایع کمپرسو اسکرو در شرکت‌های ایرانی»، *فراسوی مدیریت*، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۵۴-۱۲۵.
- بناوند، مهسا (۱۳۸۶). *نگرشی جامع به انتقال تکنولوژی*، قزوین: دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.

- برمکی، جعفر (۱۳۸۸). راهنمای مذاکره در موافقتنامه‌های چند جانبه زیست محیطی، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- جکسون، رابرت و سورنسون، گوئرتک (۱۳۸۵). در آمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان و همکاران، تهران: نشر میزان.
- دفتر ملی تغییر آب و هوا (۱۳۹۵). «مجامع بین‌المللی کنوانسیون تغییر آب و هوا»، اجلاس سالانه اعضا (cop).
- کشتکار قلاتی، احمدرضا؛ انصاری، مجتبی و نازی دیزجی، سجاد (۱۳۸۹). «توسعه سامانه بام سبز بر اساس معیارهای توسعه پایدار در ایران»، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶، صص ۲۸-۱۵.
- کلانتری، صمد و خلیلی، عبدالرسول (۱۳۸۹). «جهانی شدن و روابط شمال و جنوب»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره سوم، تابستان، صص ۵۰-۲۱.
- گر، تد رابرت (۱۳۷۷). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ساعی، احمد و ترابی، قاسم (۱۳۹۴). «توسعه جنوب در عرصه جهانی شدن»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره سی و دوم، پاییز، صص ۳۱-۷.
- ساعی، احمد و میرترابی، سعید (۱۳۸۷). مسائل جهان سوم، سیاست در جهان در حال توسعه، تهران: نشر قومس.
- سلمانی، بهزاد و امیری، بهزاد (۱۳۸۸). «توسعه مالی و رشد اقتصادی: مورد کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۶، شماره ۴، زمستان، صص ۱۴۴-۱۲۵.
- شفیع‌پور، مجید (۱۳۹۵). رئیس مرکز امور بین‌الملل و کنوانسیون‌ها در سازمان حفاظت محیط زیست، «صفر تا صد توافقنامه تغییرات اقلیم پاریس»، مصاحبه‌ای با ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۳ اردیبهشت.
- رحیمی، نسترن و بختیار، محسن (۱۳۸۵). «پروتکل کیوتو، رهیافت‌ها و چالش‌ها»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، شماره ۲۹، تابستان، صص ۹۳-۷۹.
- عصاری، مهتاب (۱۳۹۵). دستورالعمل حسابرسی محیط زیست و تغییرات آب و هوایی در هند سال ۲۰۱۰، هیات حسابرسی محیط زیست و توسعه پایدار.
- عتابی، فریده و همکاران (۱۳۸۹). بررسی تعهدات و مقرات کنوانسیون تغییرات آب و هوا و ارزیابی نحوه اجرای آن در جمهوری اسلامی ایران.

محرم نژاد، ناصر و تهرانی، مهناز (۱۳۸۹). «مروری بر نظریه‌های اجتماعی و مدیریت محیط زیست»،
نشریه انسان و محیط زیست، دوره ۸، شماره ۲۳، بهار، صص ۳-۱۱.
برچیل، اسکات؛ لینکلتر، اندرو؛ ودانلی، جک؛ پترسن، ماتیو؛ رویس، کریستین؛ ریچارد، اسمیت و تروف
جک (۲۰۱۲). نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌اله طالبی‌ارانی، تهران:
نشر میزان.

ب) منابع انگلیسی

- Villis, Rebecca (2014). **Paris 2015: Getting a Global Agreement on Climate Change**, a Report by Christian Aid, Green Alliance, Greenspace, RSPB, and wwf.
- Moosmann, Lorenz, Neier, Henrik, Mandl, Nicole and Radunsky, Klaus (2016). **Implementing the Paris Ggreement- issues at Stake in View of the Cop 22 Climate Change Conference in Marrakesh**, Study for the ENVI committee.
- United Nation (2015). **Adoption of the Paris Agreement**. FCCC/CP/2015/L.0/REV.1.